

به نام خدا

زندگی، کار و اخلاق مهندسی

ده سال پیش که از دانشگاه فارغ التحصیل شدم، بزرگترین چالشهای پیش رویم پیدا کردن شغل مناسب و کسب درآمد بود اما تجربه های سالهای بعد به من آموخت که مهمترین چالشها نه اینها بلکه چگونه کار کردن و چگونه پول درآوردن است.

زندگی و کار در جوامع امروزی - اما آنچنان پر شتاب شده است که دیگر کمتر مجال برای چنین مباحثی باقی مانده است. روند سریع رو به رشد تکنولوژی - در کنار اینترنت - فرصتها و انتخابهای بسیاری برای مهندسين جوان در کشورهای مختلف ایجاد کرده است به گونه ای که رقم حقوق ماهانه یا درآمد سالانه مهمترین مشخصه هر فرد به شمار می رود. در چنین فضایی، صحبت از اخلاق مهندسی و لزوم رعایت آن - در نگاه اول - ممکن است بیشتر یک بحث آکادمیک، لوکس و یا درجه دوم به نظر برسد. در این مقاله کوتاه می خواهم بگویم که تجربه ام حداقل برای خودم چیز دیگری نشان می دهد.

اگر تجربه کار در شرکتهای غربی در خارج از ایران را داشته باشید متوجه می شوید که نه تنها در شرکت بلکه در جامعه، اخلاق به گونه ای نهادینه شده که رعایت کردن آن نه چندان سخت است و نه مایه مباهات، آنقدر عادی است که رعایت نکردن آن خلاف عرف به شمار می رود. به علاوه سیستم و ساختار در شرکتهای، محدوده وظایف و اختیارات را مشخص کرده است به طوری که تمام تلاش فرد برای انجام کار خودش در زمان معین صرف می شود و حاشیه بر متن غلبه ندارد. نمی خواهم بگویم که همه چیز پاک و ایده آل است، در آنجا هم موارد غیر اخلاقی کم و بیش پیدا می شود، اما نزدیک به پانصد سال تجربه اختراع و ساختن صنعت ارزشهای زیادی را در آن جوامع همیشگی کرده است.

سوال اصلی اینجاست: در ایران - که علیرغم استفاده چندین ساله از تکنولوژی هنوز فرهنگ لازم آن را، حتی در میان بسیاری مدیران رده بالا کسب نکرده است - چرا باید پایبند چیزی به نام اخلاق مهندسی بود؟

چرا باید در محیط و بازاری که سیستم مناسبی ندارد، پیشرفت در پاره ای از موارد در گرو عادت به ضد اخلاقی کار کردن است و خلاصه هزار و یک دلیل برای رعایت نکردن اخلاق مهندسی وجود دارد، بخواهیم به کار و زندگی مان قید دیگری بزنیم و چرا باید علاوه بر پرداخت هزینه ناپایدار بودن نظام صنعتی کشور هزینه بیشتری برای خودمان درست کنیم؟

در این فرصت مجال پرداختن به «بایدهای حقوقی» و «مبانی علم اخلاق» نیست. تنها و بارزترین دلیلی که می توانم به آن اشاره کنم تجربه و نتایجی است که طی این چند سال کسب کرده ام.

بدون تردید کیفیت انجام کار ما، تحت تأثیر عوامل بسیاری از جمله آگاهی ما از قوانین موجود و محدوده اعمال آنها، تربیت خانوادگی و باورهای مذهبی و عرفی قرار می گیرد. کمتر کسی است که در مقام حرف با رعایت اخلاق مخالف باشد. نکته اینجاست که مرز رعایت اخلاق مهندسی تا کجاست؟ و حاضریم چه مقدار هزینه برای آن بپردازیم؟

بر این باور هستیم که در ایران با توجه به توانایی فردی بالا و انگیزه ذاتی برای پیشرفت به عنوان عامل اول، محدود شدن زمینه های کار در ابعاد و استانداردهای جهانی در سالهای اخیر به عنوان عامل دوم و شوق داشتن زندگی مرفه تر و یا به روزتر به عنوان عامل سوم، رعایت کردن اخلاق مهندسی کار پرهزینه است. بسیار می آید که با عمل بر موازین اخلاقی، فشار کار بیشتری بر شما وارد می شود بدون اینکه مدیریت بالا و یا مشتری متوجه ارزش و یا حداقل محدودیتهای شما بشود و حمایتان بکند، این شما هستید که می بایست طراحی، محصول و یا پروژه را به موقع تحویل بدهید و کسی هم سراغی از اخلاق شما نخواهد گرفت. ممکن است نگاه کنید و ببینید شرایط زندگی و کاری همکارانتان - بدون اینکه از شما با کفایت تر باشند - در همان مدتی که شما با کار و اخلاق مشغول بوده اید بهتر شده است و شک کنید که تعهد شما به اصول اخلاق توهمی بیش نبوده است. فن انجام کار در یک حرفه، امر سخت تری از یادگیری دروس دانشگاهی نیست آنچه که سخت است صبر کردن است و تلاش برای اخلاقی کار کردن.

با تمام این احوال تجربه به من آموخته است که مهندس، هر زمان و به همان اندازه که به رعایت اصول اخلاق متعهد می شود، به همان مقدار سود هم می بیند، به همان اندازه که برای انجام کار در محدوده اخلاق مهندسی دلیری می کند به همان اندازه منفعت می برد نکته اینجاست که باید در بازه زمان بزرگتری موضوع را نگاه کرد.

مکانیزمی که باعث چنین روندی می شود برای من روشن نیست اما عمیقاً باور دارم که ممکن است به ظاهر و در کوتاه مدت منافعی را از دست بدهید اما در طولانی مدت (به شرط آنکه کم کاری یا کم انگیزگی نداشته باشید) بسیار بیشتر از آنچه به حساب می آید به دست می آورید. به تجربه دریافته ام بسیاری از صعودها در واقع سقوط بوده است و بسیاری از ماندنها باعث سربلندی و پیشرفت در آینده شده است.

نه که هر درجا ماندنی پیشرفتی در آینده است، منظورم این است که اگر یک مهندس با وجود تلاش زیاد به علت پابندی به اصول اخلاق مهندسی به آنچه که می خواسته در زمان معین نرسیده باشد این نمی تواند دلیلی بر ناکارآمدی اخلاق مهندسی باشد. اخلاقی زندگی و کار کردن یک روند پویاست که نتایجش لزوماً یک شبه ظاهر نمی شود. پابندی به اخلاق مهندسی در زمانهایی که فشار مخالف وجود دارد از مهندس شخصیتی می سازد که با هیچ مدال و جایگاهی قابل مقایسه نیست. جایگاههای مدیریتی خیلی زود می آیند و می روند و لذت حقوقهای بالا خیلی زودتر در بازیهای زندگی گم می شود، آنچه که می ماند رفتار، شخصیت ما و ارزشهای پایداری است که به هنگام انجام کارمان ایجاد کرده ایم.

اگر خوش شانس باشید مدیرتان به اخلاق مهندسی اعتقاد داشته باشد اما انتظار نداشته باشید که به خاطر آن اضافه حقوق دریافت کنید، رعایت اخلاق مهندسی یک مکانیزم کنترل درونی است، مقوله ایست از جنس ایمان به منبعی نامحدود، اعتقاد به اینکه زندگی و رفاه میلیونی در گرو کیفیت کار و یا محصول ما قرار دارد و قرار نیست همیشه این موضوع در فیش حقوقی، چک و یا بر ز بان مدیر ما منعکس شود (تصور کنید بر محصول شما و یا کنار مدرک طراحی شما نوشته شده باشد: تولید شده با رعایت اخلاق مهندسی!).

رعایت اخلاق مهندسی یعنی اینکه ارزش کار و یا محصول شما فقط با مقدار پولی که بابت آن دریافت می کنید تعیین نمی شود. یعنی اینکه حاضر نیستیم به هر قیمتی مدرک فنی تولید کنیم و یا به هنگام فریبکاریهای دیگران - چه مدیر و چه همکار - مثل آنها رفتار کنیم. رعایت اخلاق مهندسی یعنی آرام ولی پیوسته به ندای وجدان گوش دادن، به منافع و حقوق دیگران، به طبیعت و منابع موجود در آن در همه حال احترام گذاشتن، یعنی باور به اینکه تا بی نهایت در گرو کیفیت کار، اخلاق و محصول خودمان هستیم.

پایین ترین سطح اخلاق مهندسی، ترس از انجام کار بدون کیفیت و یا عادت به خوب کار کردن و بالاترین سطح آن عاشقانه کار کردن است. دیده ام که چگونه عاشقانه کار کردن زندگی فرد را متحول کرده است و از آن طرف مدیران و مهندسان زیادی را دیده ام که علیرغم توانایی، به علت پایبندی به همین امر در جایگاه خودشان نیستند اما این ضعف آنها نیست که اشکال ساختار جامعه ماست و تا زمانی که اصلاح نشود، این هزینه های فردی جاریست. به عبارت دیگر هرچقدر جامعه اخلاقی تر باشد هزینه پاک زندگی کردن کمتر است و مگر چیست زندگی جز تلاش برای پاک زیستن.

امید شهابی